

نزهة النواظر ترجمہی معدن الجواهر

نویسنده: محمد بن علی کراچی

تحقیق: حاج شیخ عباس قمی

www.ketab.ir





نزهة النواظر (ترجمه‌ی معدن الجواهر)

نویسنده: محمد بن علی کراچکی

تحقیق: حاج شیخ عباس قمی

☐ ناشر: بی‌زمان

☐ چاپ اول: ۱۳۹۲

☐ قطع: رقعی

☐ تعداد صفحات: ۱۳۶ صفحه

☐ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

☐ بها: ۱۰۰۰۰ تومان

☐ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۹۱-۰۸-۵

☐ تمام حقوق چاپ و نشر و دیگر صور بازنشر در هر محیطی، محفوظ و مخصوص انتشارات بی‌زمان است.

سرشناسه	:	کراچکی، محمد بن علی، - ۳۴۹ ق.
عنوان قراردادی	:	معدن الجواهر و تنبیه الخواطر، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:	نزهة النواظر ترجمه‌ی معدن الجواهر/ نویسنده محمد بن علی کراچکی؛ تحقیق عباس قمی.
مشخصات نشر	:	تهران: نشر بی‌زمان، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۱۳۶ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۹۱-۰۸-۵ ریال
وضعیت فهرست نویسی	:	فنی
یادداشت	:	کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است.
موضوع	:	اندرزنامه‌ها
موضوع	:	اخلاق اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
شناسه افزوده	:	قمی، عباس، ۱۲۵۲ - ۱۳۱۹، مترجم
رده بندی کنگره	:	الف۱۲۹۲۳ (۶۰۲) م۶۰۴/ک۴۴ BP۲۴۹۱
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۶۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۳۷-۲۵۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۳۷-۲۵۹

فهرست

۹	[مقدمه تحقیق]
۳۱	باب اول [در یک خصلت]
۱۹	باب دوم در دو خصلت های مرویه است
۳۱	باب سوم در خصال سه گانه
۴۵	باب چهارم در چهار خصلت
۵۷	باب پنجم در خصال پنج گانه
۶۵	باب ششم در خصال شش گانه است
۷۳	باب هفتم در خصال هفت گانه
۷۹	باب هشتم در خصال هشت گانه است
۸۵	باب نهم در نه خصلت است
۹۵	باب دهم در ده خصلت است

- پنجاه کلمه در نصیحت و موعظه سودمند بقلم مؤلف ۱۰۱
- کلمه فی الخوف والخشیه ۱۰۱
- کلمه فی الرجاء ۱۰۲
- کلمه فی الغيرة و الحمیة ۱۰۲
- کلمه فی ذمّ العجلة ۱۰۳
- کلمه فی ذمّ الغضب ۱۰۳
- کلمه فی الحلم ۱۰۳
- کلمه فی الغفو ۱۰۴
- کلمه فی الرفق ۱۰۴
- کلمه فی ذمّ سوء الخلق ۱۰۵
- کلمه فی ذمّ العداوة والشتم ۱۰۵
- کلمه فی ذمّ العجب ۱۰۵
- کلمه فی التکبر و التواضع ۱۰۶
- کلمه فی ذمّ القساوه ۱۰۷
- کلمه فی الشره ۱۰۷
- کلمه فی ذمّ حبّ الدنيا ۱۰۹
- کلمه فی الفقر ۱۰۹
- کلمه فی ذمّ السؤال ۱۰۹
- کلمه فی ذمّ الحرص ۱۱۰
- کلمه فی ذمّ الطمع ۱۱۱
- کلمه فی ذمّ البخل ۱۱۱

- كلمة في السخاء ١١١
- تكلمة لطيفه ١١٢
- كلمة في الاجتناب عن الحرام ١١٣
- كلمة في ذم التكلم بما لا يعنى ١١٣
- كلمة في ذم الحسد ١١٤
- كلمة في تحقير الناس ١١٤
- كلمة في ذم الظلم ١١٥
- كلمة في قضاء حاجة المؤمن ١١٦
- كلمة في لقاء المشرك في قلب المؤمن ١١٦
- كلمة في الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر ١١٦
- كلمة في مدح الألفه ١١٧
- كلمة في صلة الرحم ١١٧
- كلمة في عقوق الوالدين ١١٨
- كلمة في مراعاة الجار ١١٨
- كلمة في ذم اظهار العيوب ١١٩
- كلمة في حفظ السر ١١٩
- كلمه في ذم النميمه ١١٩
- كلمة في ذم الشماتة ١٢٠
- كلمة في ذم المراء ١٢٠
- كلمة في ذم الاستهزاء ١٢١
- كلمة في ذم الإفراط في المزاح ١٢١

- ١٣١..... كلمة في ذم الغيبة.
- ١٣٢ كلمة في ذم الكذب .
- ١٣٣ كلمة في آفات اللسان .
- ١٣٤ كلمة في ذم حب الرئاسة .
- ١٣٥ كلمه في الخمول .
- ١٣٥ كلمة في ذم الرياء .
- ١٣٦ كلمة في ذم طول الأمل .
- ١٣٨ كلمة في مدح الرضا .
- ١٣٩ كلمة في مدح الصبر .
- ١٣١..... كلمه في مدح الشكر .
- ٢٣١ [خاتمه]

[مقدمه تحقیق]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الحمد لله میدالأمم و محیی الرمم و الصلوة علی من ارسله علی حین فتره من الرسل و طول هجعة من الأمم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکم و علی آله الطاهرین ینابیع العلم و مصابیح الظلم (و بعد) بر ارباب دانش و هوش مخفی و پوشیده نیست که بهترین چیزها که انسان در گنجینه دل مخزون کند و چون در گرامیه تعلیق گوش خویش نماید جواهرات فاخره و درر باهره کلمات حکمت و پند است که تشنه لبان را : بآب حیات و آدمی را از هلاکت بسر حد نجات خواهد رسانید و لهذا در قرآن مجید از آن تعبیر بگنج شده چنانچه در تفسیر آیه شریفه و کان تحتہ کثر لهما از اهل بیت عصمت سلام الله علیهم اجمعین وارد شده که آن گنج طلا و نقره نبوده بلکه لوحی بوده که در آن چند کلمه حکمت ثبت شده بود از این جهت بود که پیوسته طالبان انسانیت و سعادت رنجها میبردند و تعبها میکشیدند و ملازمت حکماء و علماء مینمودند تا چند کلمه از ایشان تعلم نمایند و دلهای مرده خود را بآن زنده نمایند نقل شده که مردی هفتصد فرسخ دنبال حکیمی

رفت تا آنکه هفت کلمه حکمت از او آموخت^۱ و ابو علی شقیق بلخی خدمت هفتصد عالم رسید و پنج چیز از ایشان یاد گرفت^۲ و شک نیست که اعلی و اغلای این جواهرات جواهریست که از معادن حکمت و خزانه علم الهی یعنی حجج طاهره اهل بیت حضرت رسالت پناه (ص) اخذ و التقاط شده باشد فإنها حیوة للقلوب المیته و بصر للعماء و سمع للضّماء و ری للظّماء لا جرم جماعتی از علماء دینیّه شکر الله مساعیهم الجمیله همت عالی خود را بر آن گماشته و پس از رنج و تعب بسیار این جواهرات گرانها را از محال مختلفه و مواضع متشتته جمع آوری نموده و در قالب تصنیف در آوردند و در میان مردم باقی گذاشتند از جمله کتاب معدن الجواهر تالیف شیخ عالم جلیل و ثقة فقیه بی بدیل ابو الفتح محمد بن علی الکرّاجکی تلمیذ شیخ مفید و علم الهدی است رضوان الله علیهم اجمعین که واقعا معدن جواهر و مخزن درر باهره از اصداق حجج طاهره است

ففی کلّ لفظ منه روض من المنی و فی کل سطر منه عقد من الدرّ

لکن از جهت آنکه الفاظ آن عربی است کسانی از لغت عرب بهره نداشتند از آن بهره نمیدادند تا آنکه در این اوان سعادت اقتراّن توفیق سبحانی شامل حال جناب فخامت نصاب فخر الحاج الحاج میرزا زین العابدین تاجر نوری زیده توفیقه گردیده بجهت خدمت ببرادران دینی در صدد برآمده که این کتاب مستطاب را ترجمه نماید و بزیور طبع در آورد تا آنکه باقیامت صالحات و صدقه جاریه مستمره باشد که پیوسته عامه ناس از عوام و خواص از آن بهره برند و بفیوضات غیر متناهیّه آن رسند و بمقاد الدال علی الخیر کفاعله نیز در آن فیوضات سهیم و شریک شوند و در

۱- اما هفت کلمه که آن مرد از حکیم یاد گرفت در باب هفتم ذکر خواهد شد.

۲- اما پنج چیزی را که شقیق بلخی از هفتصد عالم پرسید و تمام بیک نحو جواب دادند و شقیق از ایشان آموخته است چنین است که ۱ گفت پرسیدم عاقل کیست گفتند «کسی که محبت دنیا اختیار نکرده باشد» ۲ گفتم زیرک کیست گفتند «آن کسی که مغرور و فریفته دنیا نشود» ۳ گفتم غنی و توانگر چه کس است گفتند «کسی که راضی و خوشنود باشد بآنچه حق تعالی قسمت و نصیب او فرموده» ۴ پرسیدم فقیر کیست گفتند «آن کسی که پیوسته دلش در پی زیادتی مال و در طلب دنیا است» ۵ گفتم بخیل کدامست گفتند «آنکه حق خدا را از مال خود نمیدهد»

حیات و ممات خطی وافر و سهمی متکثر برده باشد پس بصلاح و صوابدید جناب مستطاب سناد العلماء و عماد الاتقیاء فخر الساده و منبع السعاده سیدنا علم الهدی دامت برکاته این امر را ارجاع فرمودند باین فقیر بی بضاعت و متمسک باحادیث اهل بیت رسالت عباس بن محمد رضا القمی ختم الله له بالحسنى و السعاده پس احقر حسب امثال انگشت قبول بر دیده نهاده و گفتم نصرتی لکم معده و این نسخه شریفه را بقدر وسع خود ترجمه نمودم و باندازه تمکن و بضاعت خویش خدمت میرادران دینی نمودم و رجاء واثق آنکه اگر اهل دانش و فضل عثرة و لغزشی دیدند مرا معذور داشته و اصلاح فساد و ترویج کساء نمایند چه آنکه نسخه بینهایت مغلوط و سقیم بوده و نسخه دیگر نبود تا تصحیح آن نمایم با آنکه این نسخه شریفه در زمانهای سابق در نزد علماء سابق و لاحق بوده و از آن نقل نموده اند چنانچه شیخ شهیدیه در ضمن اجازه محمد بن نجده از آن نقل نموده و علامه مجلسی ره مکرر در بحار از آن نقل کرده و جناب آقا سید محمد باقر اصفهانی مرحوم در روایات الجئات گفته نسخه ای از آن نزد من است لکن چون روز بروز علم میل بتنزل دارد و بازارش رو بکسادی آورده تا زمان ما بکلی آثار آن محو و منطمس گردیده و یکباره چهل بر روی جلباب کشید

کان لم یکن بین الحجون الی الصفا انیس و لم یسمر بمکه سامر

از این جهت کتب دینی در زوایای خمول محو نابود گشته و منسوج عناکب نسیان گردیده تا بحدی که از برای این نسخه شریفه دو می نجستم با معاونت آن آن را صحیح کنم لا جرم بذل جهد نموده بقدر امکان بمعاونت کتاب خصال و غیره بعض جاهای آن را تصحیح نموده و ترجمه نمودم و بعض جاها که معلوم نشده باجمال گذاشتم و یا بحاصل مراد پرداختم و جاهائی که بیاض بوده بیاض باقی گذاشتم.

و السلام علی من اتبع الهدی

بتاریخ ۲۸ شهر صفر ۱۳۷۴

(بسمه تبارک و تعالی شأنه) بدان که این کتاب مستطاب مشتملست بر ده باب
باب اوّل در خصال است که متعلّق بلفظ واحد و یک ست باب دوّم در خصال اثنین
است باب سوّم در خصال ثلاثه و هکذا تا باب دهم که در خصال عشره است و در هر
بابی ابتدا می شود بکلمات و مواعظ حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و بعد از
آن روایات ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین پس از آن از حکماء راسخین و
علماء شامخین و غیرهم نقل می شود و در اواخر هر بابی ذکر می شود وصیت
جامعه از حکیمی بفرزند عزیز خود چنان که معلوم خواهد شد ان شاء الله تعالی
اینک شروع کنیم بترجمه کتاب فنقول و بالله الاستعانة فی کلّ باب